

بررسی فقهی ادله عدم مشروعیت جراحی‌های زیبایی*

□ ابوذر صانعی**

چکیده^۱

دانش جراحی پلاستیک یکی از دستاوردهای جدید علم پزشکی بوده که به دو گروه روشی «زیبایی و ترمیمی» تقسیم شده است. سؤال محوری این مقاله درباره ادله فقهی عدم مشروعیت جراحی زیبایی است. پس از بررسی تمامی مستندات دال بر حرمت معلوم گردید: جراحی زیبایی موجب تغییر خلقت اولیه انسانی نیست، زیرا ملاک حرمت تغییر مربوط به صورتی است که از طریق خلق جدید، ضدیت با آفرینش الهی صورت گیرد و موجبات تشریح در دین فراهم آید. علاوه بر این، گروهی مصداق تغییر را خروج از فطرت و ترک دین حنیف دانسته‌اند که در هر صورت، با انجام جراحی زیبایی منافات ندارد. ادعای حرمت تغییر رنگ‌آمیزی اولیه انسان هم به واسطه انجام جراحی زیبایی صحیح نیست، زیرا مراد از «صبغه الهی» در آیه ۱۳۸ سوره بقره، اخلاص، ایمان و اسلام است که همگی ملزم به تبعیت از آن شده‌اند تا مایه تفرقه در دین فراهم نشود. بنابراین، مراد از این آیه تغییر فیزیکی نیست تا جراحی زیبایی حرام باشد.

کلیدواژه‌ها: جراحی، زیبایی، فقه، عدم مشروعیت.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۴/۱۶؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۶/۲۰.
***. استاد یار دانشگاه عدالت (Aboozar1334chmail.ir).

جراحی زیبایی از جمله شاخه‌های نوظهور در حوزه پزشکی بوده که در سایهٔ پیشرفت‌های دانش پزشکی به صورت جهش‌وار توسعه یافته است. وجود خصایصی چون انتخابی بودن، فقدان ضرورت حیاتی، تلفیق آن با جنبه‌های علمی و تجاری و گاه انگیزه‌های مجرمانه، باعث به وجود آوردن معضلات اخلاقی و حقوقی بسیاری در کشورهای مختلف و در نتیجه مخالفت برخی از فقهای شیعه و اهل سنت با آن شده است. به همین منظور، سؤال اصلی این پژوهش، بررسی و نقد ادله فقهی عدم مشروعیت جراحی زیبایی است که بر اساس پاسخ به سؤال‌های فرعی زیر، این مطلب تبیین خواهد یافت.

- منظور از جراحی زیبایی چیست و رواج آن در عصر مدرن به چه شکل بوده است؟
- آیا انجام جراحی زیبایی موجب تغییر خلقت اولیهٔ انسانی است؟
- آیا انجام جراحی زیبایی موجب تغییر رنگ‌آمیزی اولیهٔ انسانی است؟
- آیا انجام جراحی زیبایی موجبات ارتکاب ملازمات حرام و یا خروج از ضوابط طلب زیبایی را فراهم کرده است؟

مفاهیم و کلیات

۱. تعریف جراحی زیبایی

انجمن پزشکی ایالات متحده آمریکا تخصص جراحی پلاستیک را به دو گروه روشی «زیبایی و ترمیمی» تقسیم نموده است (اولسن، ۱۳۸۸: ۸).

جراحی زیبایی: گروهی از عمل‌ها و روش‌هاست که برای بهبود منظرهٔ ظاهر فردی سالم انجام می‌شود (قاسمی، ۱۳۷۹: ۸۳).

جراحی ترمیمی: برای تصحیح شکل و اختلالات عملکردی ناشی از سوختگی‌ها، آسیب‌های حاصل از ضربه، مانند؛ شکستگی استخوان صورت، ناهنجاری‌های مادرزادی، مانند لب‌شکری، ناهنجاری تکاملی، عفونت یا بیماری و برداشتن تومورها صورت می‌پذیرد (منجمی، ۱۳۹۱: ۲۰).

۲. انواع جراحی زیبایی

امروزه با پیدایش تکنیک‌های جدید، صورت‌های مختلفی از جراحی‌های زیبایی انجام گرفته است که به بیان برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم.

الف. جراحی‌های زیبایی سر و صورت

جراحی زیبایی صورت و سایر نواحی بدن به دو روش «تهاجمی و حداقل تهاجم» واقع می‌گردد. در روش اول، تیغ جراحی و سیله‌ای برای تهاجم به جسم بیمار است. اما در روش غیر تهاجمی یا «حداقل تهاجم»، زیباسازی پوست و بافت زیر آن بدون مداخله جراحی با روش‌هایی مثل لیزر یا لایه‌برداری شیمیایی صورت می‌گیرد.

جراحی پلک، پروتز چانه، جراحی گوش، ساییدن پوست صورت با دستگاه مکانیکی، لایه‌برداری با مواد شیمیایی و درمان با پرکننده‌ها از جمله اعمال زیبایی در ناحیه صورت است که امروزه در سطح جامعه رواج یافته است.

ب. جراحی‌های زیبایی سایر نواحی بدن

انجام جراحی زیبایی اختصاص به صورت و گردن ندارد، بلکه سایر نواحی بدن بیمار مثل اندام‌های فوقانی و تحتانی، تنه و دستگاه تناسلی را می‌توان جراحی کرد. به عنوان نمونه، جراحی زیبایی سینه که در اصطلاح «ماموپلاستی» نامیده شده است، برای بزرگ و کوچک کردن سایز سینه و یا بالا کشیدن آن انجام می‌شود (مافی، ۱۳۹۰: ۲۲۲ - ۲۲۳). یا جراحی شکم که در اصطلاح «آبدومینوپلاستی» نامیده شده است، برای اصلاح ناحیه فرم شکم و صاف نمودن عضلات شل آن کاربرد دارد (گربر، ۱۳۹۱: ۱۳۳ - ۱۳۴).

ادله فقهی عدم مشروعیت جراحی‌های زیبایی

رواج انواع جراحی زیبایی در قرن اخیر و تردیدهایی که گاه درباره صحت شرعی آن وجود دارد، باعث تقسیم نظریه‌های فقها به دو گروه موافق و مخالف شده است. عمده این اختلاف، ناشی از برداشت‌های متفاوت ایشان از متون شرعی مورد استدلال است که به بیان و بررسی آنها می‌پردازیم.

الف. نهی در مصحف شریف

اولین منبع استخراج حکم شرعی رجوع به قرآن کریم است. مخالفان جراحی زیبایی با تمسک به آیاتی از سوره‌های نساء و بقره (نساء: ۱۱۹ - ۱۲۰؛ بقره: ۱۳۸) حکم به عدم مشروعیت آن کرده‌اند.

آیه ۱. حرمت تغییر خلقت خداوند

وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَتَّيْتَهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَتَّكِنَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا يَعِدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا (نساء: ۱۱۹ - ۱۲۰)؛ و آن‌ها را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند) و گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش پاک خدایی را تغییر دهند! و هر کس شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است. شیطان به آن‌ها وعده‌های (دروغین) می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌سازد، در حالی که جز فریب و نیرنگ به آن‌ها وعده نمی‌دهد.

وجه استدلال: جراحی زیبایی نوعی تغییر فیزیکی است که به انگیزه ضرورت و درمان صورت نمی‌پذیرد. در نتیجه، این تغییر مصادق تبعیت از هوای نفس و امر شیطان است که باید بر اساس این آیه حکم به ممنوعیتش کرد (شقیطی، ۱۴۱۵: ۱۹۴).

پاسخ اجمالی: تغییر در خلقت خداوند به طور مطلق نمی‌تواند مذموم و در جهت اهداف شیطان باشد، زیرا انجام برخی از امور مانند قطع بند ناف، چیدن موی زائد بدن، کوتاه کردن موی سر و چیدن ناخن از جمله کارهایی است که شارع امر به انجام آن کرده است. بنابراین، مقصود از آیه شریفه، نوع خاصی از تغییر است که شامل موارد مذکور نمی‌گردد، زیرا انجام این امور باعث دور شدن انسان از مرزهای عبودیت و وارد شدن در قلمرو آرزوهای شیطانی نیست.

بررسی این استدلال و پاسخ متقن به آن، نیازمند تأمل در کتب تفسیری است که اکنون به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

تفسیر ۱. المیزان فی تفسیر القرآن

علامه طباطبایی^۱ در ذیل آیه مورد بحث می‌گوید: شیطان به ایشان دستور داد که گوش حیوانات را ببرند و آنچه را خدای متعال حلال کرده، ایشان حرام کنند و خلق الله را تغییر دهند که این بر اموری مانند اخته کردن، مثله کردن، لواط و مساحقه منطبق نمی‌شود. وی در ادامه می‌گوید: بعید نیست که مراد از تغییر «خلق الله» خروج از فطرت الهی و ترک دین حنیف باشد، زیرا خداوند متعال فرمود: پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش تغییرپذیر نیست و این همان دین پایدار است^(۱) (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۵ / ۵).

تفسیر ۲. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن

سید عبدالاعلی سبزواری & عنوان «تغییر خلق الله» را شامل همه اقسام آن (تغییر در انسان، حیوان و گیاهان) دانسته و تغیر را بر دو نوع بر شمرده است.

نوع اول: تغیر حسی « صفتی و صورتی»، مانند خواجه ساختن، مثله کردن و انواع تغیر فیزیکی بدن.

نوع دوم: تغیر معنوی که مصداق بارز آن، خروج از فطرت الهی، دوری از دین و تعالیم الهی، تحریف دین، انجام کارهای پست، دوری گزیدن از راه مستقیم عقل و فطرت و یا ترویج باطل و فحشاست.

وی در ادامه می گوید: آیه فوق، تغیر در خلقت خداوند را کاری ناپسند دانسته و اساس تصرف در خلقت را از شئون خداوند متعال بر شمرده است. البته باید توجه کرد که آیه مذکور، شامل تغییرات ماذون، مانند ختنه کردن، خضاب نمودن، کوتاه کردن ناخن، نمی شود و تغییراتی که نهی صریح ندارند، مانند جراحی پلاستیک و تبدیل حیوان پیر به جوان، هم بر دو قسم است.

نوع اول: گاه همراه با غرض عقلایی است، مانند تغییراتی که برای دفع ضرر یا تأمین سلامتی صورت پذیرفته است که این قسم جایز بوده و مورد مذمت الهی نیست.

نوع دوم: گاه انگیزه معقول برای انجامش وجود ندارد، مانند تبدیل حیوان پیر به جوان که بر اساس مقتضای عمومات و اطلاقات، عملی حرام است.

بر اساس ملاکی که از آیه مورد بحث به دست می آید، حرمت تغیر در صورتی است که از طریق خلق جدید، ضدیت با آفرینش الهی صورت گیرد، در غیر این صورت ملاکی بر حرمت عمل مذکور وجود ندارد (سبزواری، ۱۴۱۹: ۹/ ۲۸۹ - ۳۰۵).

نتیجه: مفسران شیعه با توجه به انواع تغیر فیزیکی و معنوی، بر این مطلب اتفاق نظر دارند که برخی از اقسام تغیر که اذن شرعی دارند، مانند ختنه کردن، حرام نبوده و منجر به تغیر خلقت نمی گردد، ولی اگر تغییری از مسیر خلقت خارج شود و به گونه ای باعث تشریع در دین شود، مانند بریدن گوش حیوانات در عصر جاهلیت، این مصداق تحریم حلال و ورود به دایره سلطه شیطان بر نفس است. گروهی دیگر مصداق تغیر را خروج از فطرت و ترک دین حنیف دانسته اند که در هر صورت، با انجام جراحی زیبایی منافات ندارد، چون این نوع تغیر، مصداق تشریع و ضدیت با آفرینش الهی و یا خروج از فطرت نیست که اگر بخواهد حرام باشد، باید تغییرات ظاهری مانند کندن درختان، بر هم زدن شکل زمین و کوهها و حتی تصرف

در دریاها حرام باشد که احدی به این ملازمه اعتقاد ندارد.

آیه ۲. حرمت تغییر رنگ الهی

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (بقره: ۱۳۸)؛ رنگ خدایی
(بپذیرید! رنگ ایمان، توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما
تنها او را عبادت می‌کنیم.

وجه استدلال: انجام جراحی زیبایی مغایر با اعتقاد به قضا و قدر الهی و ضرورت تسلیم
در برابر آن است، زیرا نباید تغییر و تصرفی در نگارگری اولیۀ انسان صورت پذیرد (حسینی،
۱۴۲۹: ۸۸). این گروه با توجه به ظاهر آیه و با در نظر گرفتن معنای لغوی صبغه، هرگونه
دخل و تصرف در آفرینش انسان را مخالف با صورتگری اولیه فرض کرده و انسان‌ها را به
تبعیت از رنگ‌آمیزی اولیۀ خدایی دعوت کرده‌اند.

پاسخ اجمالی: ادعای حرام بودن تغییر صورتگری اولیۀ انسان صحیح نیست، زیرا مراد از
«صبغه الهی» در این آیه، اخلاص، ایمان و اسلام است که خداوند متعال همگی را ملزم به
تبعیت از آن کرده است تا مایه تفرقه در دین فراهم نشود. در نتیجه مراد از این آیه تغییر
فیزیکی نیست تا جراحی زیبایی حرام باشد.

بررسی این استدلال و پاسخ متقن به آن، نیازمند تأمل در کتب تفسیری است که اکنون به
بیان برخی از آنها می‌پردازیم.

تفسیر ۱. جوامع الجوامع

منظور از صبغه همان حالت و نحوه رنگ‌آمیزی و به معنای تطهیر است، زیرا ایمان به خدا،
نفس و روان انسان‌ها را پاکیزه می‌کند. تعبیر از صبغه بدین جهت است که در میان مسیحیان
معمول بود که نوزادان خود را در آب زرد رنگی که معمودیه نامیده می‌شد، فرو می‌بردند و
این عمل را تطهیر آن نوزاد می‌دانستند. در مقابل این عمل به مسلمانان دستور داده شد تا با
ایمان به رنگ الهی درآیند (طبرسی، ۱۳۸۶: ۸۳/۱ - ۸۴).

تفسیر ۲. تفسیر نمونه

به دنبال دعوتی که در آیات سابق از عموم پیروان ادیان به تبعیت از برنامه‌های همه انبیاء شده
است، در این آیه فرمان داده می‌شود که تنها رنگ خدایی، رنگ ایمان و توحید خالص، را
بپذیرید. و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر که ما فقط او را پرستش می‌کنیم. به این ترتیب، قرآن

فرمان می‌دهد همه رنگ‌های نژادی، قبیلگی و سایر رنگ‌های تفرقه‌انداز را از میان بردارید و به رنگ الهی در آید. در ادامه گفته شده: در میان مسیحیان معمول بود که فرزندان خود را غسل تعمید می‌دادند. گاه ادویه مخصوص زرد رنگی هم به آب اضافه می‌کردند و می‌گفتند: این غسل با این رنگ خاص باعث تطهیر نوزاد از گناه ذاتی به ارث برده شده از حضرت آدم^x است. و در پایان به حدیثی از امام صادق^x در تفسیر این آیه اشاره می‌شود که مقصود از «صِبْغَةَ اللَّهِ» را آیین پاک اسلام دانسته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۴۷۳ - ۴۷۴).

نتیجه: مراد از صبغۀ الهی، با توجه به آیات قبل و احادیثی که در این باره وجود دارد، مفهوم اخلاص، ایمان و اسلام است که دستور داده شد تا با تبعیت از این رنگ واحد موجب تفرقه در دین نشویم. بنابراین، تغییر فیزیکی در جراحی زیبایی، مصداق خروج از رنگ‌آمیزی اولیه و دایره بندگی خداوند متعال نیست.

ب. نهی در سنت

یکی دیگر از مهم‌ترین ادله عدم مشروعیت جراحی زیبایی، استناد به روایات باب تزئین است که هم‌اکنون به بیان و بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

روایت ۱. از علی بن غراب

وَفِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ؛ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ الْهَيْثَمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ زَكْرِيَّا عَنْ بَكْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ تَمِيمِ بْنِ بَهْلُولٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ غُرَابٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ^x عَنْ أَبِيهِ قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ | النَّامِصَةَ وَالْمُتَمِّصَةَ وَالْوَأَشِرَةَ وَالْمُوتِ شِرَةَ وَالْوَأَصِلَةَ وَالْمُسْتَوِشِمَةَ... (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/ ۱۳۳)؛ علی بن غراب از امام صادق از پدرانش[^] روایت می‌کند که پیامبر| هشت گروه؛ نامصه، متمصمه، واشره، موتشیره، واصله، مستوصله، واشمه و مستوشمه را لعنت فرمود. شیخ صدوق[&] می‌گوید: علی ابن غراب گفت: نامصه کسی است که مو را می‌کند و متمصمه کسی است که با او این کار انجام می‌شود، واشره کسی است که دندان‌هایش را تیز می‌کند و بین آن فاصله می‌اندازد و موتشیره کسی است که این کار با او انجام می‌شود، واصله کسی است که موی زنی را به موی زن دیگر پیوند می‌دهد و مستوصله کسی است که این کار با او انجام می‌شود، واشمه کسی است که با سوزن

خطوطی در دست زن و یا قسمتی از بدنش می‌کشد، بدین معنا که دو دست و یا پشت کف دست و یا قسمتی از بدنش را سوزن فرو می‌کند تا اثری در آن بماند، سپس آن را با سرمه و یا نوره پر می‌کند و آن اثر به رنگ سبزی باقی می‌ماند و مستوشمه کسی است که با او این کار انجام می‌شود.

وجه استدلال: این حدیث دلالت بر لعن برخی از مصادیق تزئین کرده و دلیل دوری از رحمت خداوند را مستند به تغییر خلقت الهی و طلب حسن (نیکویی) دانسته است، که این دو معنا در جراحی زیبایی موجود می‌باشد، زیرا در آن تغییر خلقت به قصد زیاده‌ای حسن صورت گرفته است. بنابراین، انجام این جراحی جایز نیست و مشمول نهی روایت می‌باشد.

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این روایت، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. طلب زیبایی امری نیکو بوده که حسن آن را هر عاقلی درک می‌کند. این مسئله و ارزش آن در آیات بسیاری مورد توجه قرار گرفته که در تعارض با مفاد برخاسته از حدیث علی بن غراب است، مگر اینکه اصل تزئین را جایز و حرمتش را مختص به موارد مذکور بدانیم و یا دلیل نهی را مستند به تغییر در خلقت خداوند و ضرر رساندن به جسم بدانیم.

۲. سند این روایت ضعیف است و غالب افراد در سلسله سند، بین ضعیف و ثقه قرار دارند و خود علی بن غراب هم که به شرح اصطلاحات حدیث پرداخته است در هیچ یک از کتب رجالی توثیقی درباره او وجود ندارد.

۳. اختلاف در معنای بعضی از اصطلاحات این حدیث وجود دارد. به عنوان مثال، در حدیثی از امام صادق^ع واژه‌های «واصله و مستوصله» به این شکل معنا شده است: «واصله کسی است که در جوانی زنا داده و در پیری قوادی می‌کند»^(۲)

۴. این حدیث به صورت مطلق، مصادیق تزئین را نهی کرده و تفاوتی بین تزئین برای همسر و غیر همسر یا اتصال به موی انسان و غیر او قرار نداده است، در حالی که روایت‌های دیگر به بیان این تفاوت‌ها پرداخته‌اند.

۵. خال‌کوبی یکی از مصادیق تزئین است که در این روایت تحت عنوان «مستوشمه» از انجام آن نهی شده است. با توجه به ضعف سند روایت، نمی‌توان حکم به حرمت نمود، مگر اینکه متفرع بر عناوین ثانویه شود و یا این عمل، نوعی اضرار به نفس تلقی شود که طبق قاعده «لا ضرر» مشمول حکم حرمت خواهد شد.

نتیجه: این روایت به دلیل ضعف سند، نمی‌تواند مستندی برای حکم به حرمت مصادیق

تزیین و به تبع آن منع از جراحی زیبایی باشد و در صورت شک در موردی با رجوع به اطلاعات تزیین می‌توان حکم به جوازش کرد.

روایت ۲. از محمد بن مسلم

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ، عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ مُسْلِمٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ | ادْنِي مِنِّي يَا أُمَّ عَطِيَّةَ، إِذَا أَنْتِ قَيِّمَتِ الْجَارِيَةَ، فَلَا تَغْسِلِي وَجْهَهَا بِالْخِرْقَةِ؛ فَإِنَّ الْخِرْقَةَ تَشْرَبُ مَاءَ الْوَجْهِ (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۱۸/۵)؛ پیامبر| فرمود: نزد من بیا ای ام‌عطیه! وقتی دختری را آرایش کردی، صورتش را با پارچه نشوی، زیرا پارچه شادابی و طراوت صورت را از میان می‌برد.

وجه استدلال: در این روایت پیامبر اکرم| از کشیدن پارچه بر روی صورت به جهت از بین بردن نشاط چهره منع می‌کند. بسیاری از انواع جراحی زیبایی، مثل لایه‌برداری پوست صورت با دستگاه مکانیکی و یا مواد شیمیایی، به پوست صورت آسیب می‌رساند و گاه اثرش هم مقطعی بوده که در نتیجه مشمول نهی روایت مذکور می‌باشد.

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این حدیث، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. این روایت صحیح است، زیرا تمامی افرادی که نامشان در طول سند ذکر شده، امامی و ثقه هستند و حتی هارون بن الجهم در رجال نجاشی^(۳) و خلاصه حلی^(۴) به عنوان فردی کوفی و ثقه یاد شده است.

۲. اطلاق لفظی این روایت، دلالت بر مشروعیت اصل زینت و آرایش می‌کند، زیرا پیامبر اکرم| نهی از نفس عمل نکرد و تنها به ام‌عطیه توصیه کرد برای تزیین چهره از پارچه استفاده نکند و شادابی آن را به این واسطه از بین نبرد.

۳. هدف دانش جراحی زیبایی کمک به افزایش زیبایی موجود است. به عنوان مثال، برای درآوردن چین‌های ظریف، کاهش جوش صورت و فرورفتگی ناشی از جای آن از روش لایه‌برداری شیمیایی استفاده می‌شود که عوارض عمده آن طی گذشت زمان از بین خواهد رفت (منجمی، ۱۳۹۱: ۵۵ - ۶۵) و عوارض باقی مانده هم در مقابل زیبایی به دست آمده، بسیار ناچیز و غیر قابل اعتناست.

۴. قسمت ابتدای حدیث می‌تواند دلیلی برای جواز عمل زیبایی باشد، زیرا ختنه در مورد

فرزند دختر بر فرض سنت بودنش که محل اختلاف است، مصداق مشروعی از عمل زیبایی بوده که تنها به افزایش بهره بردن شوهر کمک می‌کند.

نتیجه: اطلاق لفظی این روایت، دلالت بر مشروعیت اصل زینت و آرایش کرده و هدف جراحی زیبایی هم افزایش زیبایی موجود می‌باشد که در نتیجه موجبات از بین رفتن نشاط چهره به وجود نیامده است تا از انجام آن منع شویم. علاوه بر این؛ قسمت دوم این حدیث دلالت بر جواز ختنه دختران دارد که خود بهترین شاهد بر جواز عمل زیبایی است.

روایت ۳. از ابن عمیر

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيمَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ × قَالَ: دَخَلْتُ مَا شَطَطَ عَلَيَّ رَسُولَ اللَّهِ | فَقَالَ لَهَا: هَلْ تَرَكَتِ عَمَلَكَ أَوْ أَقَمْتِ عَلَيْهِ؟ فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا أَعْمَلُهُ إِلَّا أَنْ تَنْهَانِي عَنْهُ فَأَنْتَهَيْتَنِي عَنْهُ فَقَالَ لَهَا: افْعَلِي فَإِذَا مَشَطْتَ فَلَا تَجْلِي الْوَجْهَ بِالْخَرَقِ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَلَا تَصَلِّيِ الشَّعْرَ بِالشَّعْرِ (کلینی، ۱۳۶۳: ۵ / ۱۱۹)؛ ابن ابی عمیر از مردی از امام صادق × روایت می‌کند: زن آرایشگری نزد پیامبر اکرم | رفت. رسول خدا از وی پرسید: آیا شغلت را رها کردی یا به آن ادامه می‌دهی؟ زن آرایشگر پاسخ داد: ای رسول خدا! آن را ادامه می‌دهم مگر آنکه شما مرا از آن باز دارید، در این صورت از آن دست برمی‌دارم. پیامبر اکرم | به وی فرمود: انجام بده، ولی هنگام آرایش، چهره را با پارچه جلا نده، زیرا آن طراوت و شادابی صورت را از بین می‌برد و مو را به مو وصل نکن.

وجه استدلال: در این روایت پیامبر اکرم | برخی از انواع تزئین، مثل جلا دادن چهره با پارچه و اتصال مویی به مویی دیگر را نهی فرمود. عمل زیبایی هم گاه با جلا دادن چهره به وسیله ساییدن یا لایه‌برداری شیمیایی صورت می‌گیرد. در نتیجه جراحی زیبایی مشمول نهی این خبر است.

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این مرسله، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. این روایت مشکل سندی دارد، زیرا مرسله است، هر چند برخی مرسله‌های ابن عمیر^(۵) را معتبر می‌دانند. همچنین شیخ طوسی علی بن احمد بن اشیم را فردی مجهول و بدون توثیق دانسته است (طوسی، ۱۴۲۷: ۳۶۳).

۲. در صورت چشم‌پوشی از ضعف سند، می‌توان گفت: اطلاق لفظی این روایت بر جواز اصل تزیین و به طور خاص آرایشگری، مگر در مورد جلا دادن چهره با خرقة و اتصال موی زن، دلالت دارد.

۳. دلیل نهی از جلا دادن صورت با پارچه به جهت از بین رفتن شادابی چهره است. بنابراین، اگر عمل تزیین موجب ضرر به پوست و شادابی آن نگردد، مشروع می‌باشد.

۴. هرچند سند روایت ابن ابی عمیر درباره کشیدن پارچه بر روی صورت ضعیف است، اما اگر قائل به قاعده تسامح در ادله سنن شویم، با پذیرش آن می‌توان حکم به کراهت کشیدن خرقة کرد، زیرا حکم به حرمت با توجه به نوع استدلال و مشکلات سندی بعید به نظر می‌رسد. راه دیگر حکم به کراهت، اعتقاد به قاعده جبران ضعف سند به واسطه شهرت است که این روش مورد قبول نویسنده نیست، زیرا اندازه شهرت فتوایی اصحاب معلوم نبوده و قاعده «ضم ضعاف»^(۶) نیز در اینجا مصداقی ندارد، چون روایات ضعیف باید به تعداد قابل توجهی وجود داشته باشد «و مسئله هم از مباحث اختلافی بین ادیان، محل اختلاف مذهبی، خلاف ضوابط متعارف عقلی و شرعی نباشد» و حال آنکه احادیث باب خرقة کشیدن به آن اندازه زیاد نیست و کثرت ندارد تا قابلیت اجرای قاعده در آن وجود داشته باشد.

نتیجه: این روایت ضعف سندی دارد و بر فرض پذیرش آن، اطلاق لفظی اش دلالت بر جواز اصل تزیین و به طور خاص آرایشگری دارد. همچنین می‌توان تنها حکم به کراهت کشیدن پارچه بر روی صورت و یا اتصال موی کرد که در نتیجه حرمتی متوجه عمل‌های زیبایی نخواهد بود.

روایت ۴. از قاسم بن محمد

وَبِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ عَلِيٍّ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ امْرَأَةٍ مُسَلَّمَةٍ تَمْشِي بِالْعَرَائِسِ لَيْسَ لَهَا مَعِيشَةٌ غَيْرُ ذَلِكَ وَقَدْ دَخَلَهَا ضَيْقٌ قَالَ: لَا بَأْسَ وَ لَكِنْ لَا تَصِلِ الشَّعْرَ بِالشَّعْرِ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۷ / ۱۳۲)؛ قاسم بن محمد می‌گوید: از علی ع درباره زن مسلمانی سؤال کردم که عروس آرایش می‌کند و گذران زندگی اش از این راه است، ولی از این کار احساس ناراحتی می‌کند. امام ع فرمود: اشکال ندارد، ولی موی را به موی وصل نکند.

وجه استدلال: در این روایت، امیرمومنان ع حکم به جواز اصل خودآرایی و تزیین کرده و احساس ناراحتی از انجام این عمل را بی‌جهت دانسته است، ولی درباره اتصال موی حکم به

عدم جواز داده که امروزه شبیه این عمل را متخصصان زیبایی پوست و مو با استفاده از روش‌های جدید برداشتن پوست مودار و انتقال آن به محل‌های از قبل تعیین شده با اقدام به کاشت آن انجام می‌دهند.

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این روایت، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. این حدیث مضمومه است، زیرا اگر مراد از قاسم بن محمد، همان شخصی باشد که در زمان امام سجاده[×] می‌زیسته، پس منظور از جمله «عَنْ عَلِيٍّ» امام زین العابدین[×] است که این حدس بعید می‌باشد، زیرا حسین بن سعید از وی روایت کرده و سخت است که هر دو این افراد در یک دوره زیسته باشند، مگر اینکه عمرشان طولانی شده باشد، اگر مقصود، غیر از این امام معصوم[^] باشد، در این صورت قاسم بن محمد مشترک شده که تشخیص آن امری بس مشکل است.

۲. بر فرض پذیرش سند این روایت، می‌توان حکم به جواز اصل تزئین و خودآرایی مگر در مورد اتصال مویی به موی دیگر داد و به تبعش درآمد حاصل از آن را مشروع دانست.

۳. جمله «تَمْ شَطُّ الْعَرَائِسَ» حاکی از این مطلب است که شاید دلیل حرمت فقط در مورد زن تازه عروسی باشد که احتمال خدعه در آن می‌رود. شاهد این مطلب روایت اسماء بنت ابی‌بکر^(۷) از طریق اهل سنت است که بر فرض پذیرشش، قید تازه عروس در آن ذکر شده است.

نتیجه: این روایت مشکل سندی دارد و بر فرض پذیرش آن، اصل تزئین مورد تایید است و با توجه به قید «الْعَرَائِسَ» تنها می‌توان منع از اتصال مو به زن تازه عروس کرد، در نتیجه این خبر صلاحیت منع از انجام عمل زیبایی مو را برای سایرین ندارد.

ج. ارتکاب ملازمات حرام

بسیاری از فقهای اهل سنت که به عدم جواز جراحی زیبایی معتقدند، بر این باورند که این عمل ملازم برخی امور حرام است که باید از انجام آن خودداری کرد. به عنوان مثال، محمد شنقیطی می‌گوید:

از جمله محظورات در جراحی زیبایی، اقدام مردها برای جراحی زن‌های اجنبی و بر عکس آن است. در این صورت، مشکلات زیادی مثل؛ لمس، نگاه به آلت «در مواردی» و خلوت با نامحرم پیش می‌آید. اذن شارع به جواز ارتکاب این محرمات در این جراحی ثابت نشده است. بنابراین، در این موارد به اصل حرمت

رجوع می‌کنیم و معتقد به عدم مشروعیت می‌شویم (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۱۹۶).

حکم به حرمت این جراحی به دلیل همراه شدن با مصادیقی از فعل حرام، نیازمند بیان ملازماتش و بررسی چگونگی تاثیر آن بر موضوع مورد بحث بوده که هم اکنون به ذکر بخشی از این موارد پرداخته می‌شود.

۱. لمس و نظر به حرام (عورت و سایر اعضاها)

یکی از اعمال حرام در شریعت مقدس اسلام، نگاه به شرمگاه دیگران یا سایر اندام بدن برای جنس مخالف است. همراه شدن برخی از اقسام جراحی زیبایی با نظر به عورت متقاضی و گاه لمس آن، مثل جراحی مهبل، لیفت ران و باسن و تغییر جنسیت در افراد سالم، موجب مخالفت از انجام آن بر اساس مستندات از کتاب و سنت شده که به بخشی از آن اشاره می‌شود.

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُونَ أَرْوَاحَهُمْ ذَلِكَ أَوْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند، این برای آنان پاکیزه‌تر است که خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (نور: ۳۰).

با توجه به مفاد آیه‌ای که بیان شد، اصل اولی حرمت کشف عورت و وجوب پوشاندن آن از نگاه اجنبی می‌باشد، مگر در مواردی که شرع اجازه داده است. بر این اساس، چون درباره صدق عنوان ضرورت برای جراحی زیبایی شک داریم، به اصل حرمت رجوع می‌کنیم و در صورت همراهی این عمل با فعل حرام، منع از انجام آن خواهیم کرد. در این مورد فتاوی فقهای شیعه هم حاکی از لزوم حفظ عورت و وجوب پوشاندن آن برای انجام عمل غیر ضروری است که به بخشی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی & درباره حرمت لمس اعضای بدن توسط جراح اجنبی می‌گوید: اشکالی برای انجام جراحی زیبایی وجود ندارد، ولی انجام آن به همراه نظر و لمس اجنبی جایز نیست (خویی، ۱۴۱۶: ۱/۳۶۳).

آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی & در مورد پیوند عضو و ارتکاب ملازمات حرام می‌گوید: سؤال: پیوند اعضا یا پوست در جراحی پلاستیک به منظور زیبایی چه حکمی دارد؟ جواب: فی نفسه مانعی ندارد، ولی اگر مستلزم فعل حرامی شود، مثل اینکه پزشک نامحرم جراحی کند، جایز نیست (لنکرانی، ۱۳۷۰: ۲/۴۸۶).

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این دلیل، نیازمند بیان چند نکته

است.

۱. تفاوت بین حرمت نفس جراحی زیبایی و امور حرام ملازم با آن، در این است که می‌توان با رجوع به پزشک هم‌جنس و یا منع از موردی خاص، مثل جراحی زیبایی مهبل، اقدام به انجام اصل عمل نمود.

۲. مخالفت فقهای شیعه به جهت عدم مشروعیت اصل مسئله نیست. بنابراین، در صورت ترک ملازمات حرام، حکم به جواز نفس عمل زیبایی داده‌اند، ولی مخالفان اهل سنت، بر اساس آیات و روایاتی که گذشت، اعتقاد به عدم مشروعیت نفس عمل زیبایی داشته و یکی از دلایل تأیید کننده قول خود را اشمال بر ملازمات ممنوعه بر شمرده‌اند.

نتیجه: نفس عمل زیبایی به تبع ملازمات حرام فاقد مشروعیت نبوده، بلکه این دو عنوان جداگانه‌ای هستند که در برخی از مصادیق کنار هم قرار گرفته‌اند. بنابراین، در صورت عدم وجود ضرورت می‌توان با ترک این امور، اقدام به انجام نفس عمل کرد.

۲. خلوت با نامحرم و کشف بدن

خلوت با نامحرم و کشف بدن، عدم پوشش مناسب و گاه لمس آن در برخی از انواع جراحی زیبایی، مثل جراحی کوچک نمودن سینه، لیفت ران و باسن توسط جراح مرد، از جمله امور حرام دیگری بوده که موجب مخالفت از انجام آن شده است. در این باره فتاوی فقهای شیعه هم حاکی از لزوم عدم کشف بدن و گاه لمس آن برای انجام عمل‌های غیر ضروری است.

آیت‌الله جوادی تبریزی & در جواب سؤالی از محدوده مشروعیت جراحی‌های زیبایی می‌گوید:

انجام عمل‌های زیبایی برای زن که موجب کشف بدن، عدم پوشش مناسب و لمس آن شده جایز نیست، البته زن می‌تواند برای انجام آن به پزشک هم‌جنس مراجعه کند که خداوند عالم است (تبریزی، ۱۴۲۷: ۹ / ۲۹۱).

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این دلیل، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. از آنجایی که بین مشروعیت نفس جراحی زیبایی و عدم جواز ارتکاب ملازمات حرام تفاوت وجود دارد، تمام فقهای شیعه که به جواز عمل زیبایی حکم کرده‌اند به عدم ارتکاب ملازمات حرام هم توجه داشته‌اند. این در حالی است که مخالفان اهل سنت، اشمال بر این ملازمات را نشانه‌ای برای حکم به حرمت اصل عمل، فرض نموده‌اند.

۲. خلوت و تنهایی مقدمه ورود به حرام است که می‌توان با حضور شخص دیگری از تحقق این امر جلوگیری کرد. همچنین با رجوع به پزشک هم‌جنس، حرمت کشف بدن، به جز اندام‌های جنسی، هنگام انجام عمل غیر ضروری از بین خواهد رفت.

نتیجه: اگر انجام برخی از انواع جراحی زیبایی موجب کنار هم قرار گرفتن دو عنوان خلوت با نامحرم و یا کشف بدن بشود، می‌توان با ترک ملازمه اقدام به عمل زیبایی نمود.

د. خروج از ضوابط طلب زیبایی

آرایش و تزئین مشروع بر پایه رعایت اصول صحیح شرعی‌ای است که خروج از آن در مواردی، سبب گرفتار شدن در دام خودپرستی و یا واقع شدن ابزاری برای شیطان در جهت فریب انسان‌ها خواهد شد. نتیجه عدم رعایت این ضوابط، ضرر زدن به جسم، تشبه به جنس مخالف، اظهار زینت در انظار نامحرم، تشبه به کفار و یا وجود تدلیس در برخی از موارد آن است که به بخشی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱. اظهار زینت در انظار نامحرم

زینت و آرایش پاسخی به نیاز فطری زن و ابزاری برای جلب توجه و زیاد شدن محبت شوهر است که نباید در معرض نگاه بیگانگان قرار گیرد. برخی از انواع جراحی زیبایی که نمود خارجی دارد، مثل برجسته‌سازی لب، پروتزگونه، لیفت ابرو و پیشانی، ممکن است در صورت عدم حفظ آن در مقابل نگاه نامحرم، بستر ساز فساد اخلاقی در اجتماع مسلمانان شود. اسلام با این گرایش و رغبت مبارزه نکرده، بلکه به آن سروسامان بخشیده و آن را در جهت دادن برای مردی واحد متبلور ساخته که شریک زندگی او است. گروهی با استناد به آیات و روایاتی که دلالت بر حرمت اظهار زینت در مقابل نامحرم دارد، مخالفت با هرگونه طلب زیبایی غیر مشروع و نهی از انجام آن در صورت خروج از این ضوابط کرده‌اند.

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این دلیل، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. از آنجایی که ضوابط شرعی طلب زیبایی، حاکم بر کلیه رفتار ارادی مکلفان است، می‌توان در صورت خروج از محدوده، حکم به ممنوعیت کرد. بر این اساس، تنها از انجام مصداق خارج از چهارچوب شرع جلوگیری می‌شود که در نتیجه ممنوعیتی برای انجام نفس عمل زیبایی وجود نخواهد داشت.

۲. تعارضی بین فتاوی فقهای شیعه و لزوم رعایت این ضوابط نمی‌باشد، زیرا این گروه از

فقیهان تنها به پوشاندن زینت در صورت صدق عنوان‌های تزئین و تحریک حکم کرده‌اند و متعرض نفس عمل زیبایی و مخالفت از انجام آن نشده‌اند. به عنوان نمونه، به فتوایی از آیت‌الله محمد تقی بهجت & در این باره اشاره می‌شود.

سؤال: زنی که صورت خود را با جراحی پلاستیک زیبا ساخته است، آیا حکم زینت پیدا کرده و باید آن را از نامحرم بپوشاند؟

جواب: اگر موجب توجه و تحریک نامحرم باشد، باید بپوشاند و ذکر شد که زینت بودن به صدق عرفی است (بهجت، ۱۴۲۸: ۴/۲۰۶).

نتیجه: اظهار زینت در مقابل نامحرم موجب حرمت ذاتی جراحی زیبایی نیست، بلکه مخالفان تنها در صورت تحقق عنوان‌های تزئین و تحریک، حکم به وجوب حفظ و پوشاندن آن از نظر اجنبی کرده‌اند.

۲. وجود تدلیس

آرایش و زیبایی باید در چارچوب موازین شرعی باشد. بر این اساس، نمی‌توان با استناد به عرف رایج جامعه به زینت‌های خلاف شریعت روی آورد. برخی از انواع جراحی پلاستیک، مثل لیفت صورت و گردن، لیفت ابرو و پیشانی، برجسته‌سازی گونه و یا لایه‌برداری پوست با مواد شیمیایی، موجب جوان به نظر رسیدن و ایجاد تدلیس برای شخص بی اطلاع و مخالفت با آن شده است. به عنوان مثال محمد شنقیطی در این باره می‌گوید:

برخی از انواع جراحی زیبایی متضمن تدلیس است که شرعاً حرام می‌باشد. چرا که در این جراحی صورت و بدن شخص بزرگ سال، جوان به نظر می‌رسد و باعث فریب در ازدواج خواهد شد (شنقیطی، ۱۴۱۵: ۱۹۵).

همچنین محمد عثمان شبیر هنگام بیان ادله مخالفت خود، درباره کشیدن پوست صورت زنان می‌گوید:

لیفت صورت برای زن سال‌خورده جایز نیست، زیرا این عمل موجب جوان به نظر رسیدن، تدلیس و تغییر در خلقت اصلی خداوند می‌گردد، ولی برای دختر جوانی که به سبب مرضی چهره وی، چین و چروک پیدا کرده، به شرط عدم ترتب بر ضرر بزرگ‌تر، جایز است (شبیر، ۱۴۰۹: ۲۱۲).

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این دلیل، نیازمند بیان چند نکته

است.

۱. نیرنگ عنوان مستقلی است که صلاحیت اعمال آن بر تمام ابواب فقهی وجود دارد و ملاک تحقق آن به قصد شخص بر می‌گردد.

۲. عنوان تدلیس حاکم بر کلیه عمل‌های زیبایی است به گونه‌ای که می‌توان بدون نیاز به حضور عنوانی دیگر، مثل تغییر در خلقت، از انجام عمل زیبایی نهی کرد. بر این اساس، جمع بین عنوان‌های تدلیس و تغییر توسط محمد عثمان شبیر، عملی غیر ضروری به نظر می‌رسد.
نتیجه: تدلیس عنوان مستقلی بوده که صلاحیت اعمالش بر تمام ابواب فقهی جراحی و غیر آن وجود دارد. همچنین تابع نیت اشخاص است. بنابراین، تا زمانی که قصد فریب وجود نداشته باشد و یا به قصد اعلام به خواستگار باشد، منعی وجود ندارد.

۳. تشبیه به جنس مخالف

تشبیه به جنس مخالف، دلیل دیگری است که برای حرمت انجام جراحی زیبایی مورد استناد قرار گرفته است. گفته شده: برخی از انواع این جراحی، مثل لیزر کردن موی‌های زائد صورت مرد و تغییر جنسیت افراد سالم، باعث تشبیه مرد به زن و یا عکس آن شده است. عمده دلیل مخالفان در میان اهل سنت، استناد به روایتی از پیامبر اکرم است که به بیان آن می‌پردازیم.

حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ خَلَّادِ الْبَاهَلِيُّ، حَدَّثَنَا خَالِدُ بْنُ الْحَارِثِ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ عِكْرَمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ النَّبِيَّ | لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ، وَلَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۹۶/۳)؛ رسول خداوند مردانی که خود را شبیه زنان و زنانی را که خود را شبیه مردان درآوردند لعنت کرده است.

محمد کنعانی از جمله مخالفان تغییر جنسیت (افراد سالم) است که در این باره می‌گوید: این کلام رسول خدا درباره شباهت ظاهری می‌باشد. حال اگر شباهت واقعی به وسیله تغییر در اعضای بدن صورت گیرد، حکم آن چیست (کنعانی، ۱۴۰۲ق: ۲۸۵).

در توضیح این کلام باید گفت: وی با استفاده از قیاس اولویت، اعتقاد به حرمت تغییر جنسیت برای فرد سالم پیدا کرده است، زیرا زمانی که تشبیه به جنس مخالف در ظاهر، مثل لباس زنانه پوشیدن، حرام باشد به دلیل اولویت، از تغییر جنسیت واقعی نیز نهی شده است.
نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این حدیث، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. شعب الازنووط در شرح سنن ابن ماجه این حدیث را صحیح و قابل اعتماد دانسته

است (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ۹۶/۳).

۲. تشبیه عنوان مستقلی بوده که حاکم بر تمام انواع فعالیت‌های زیبایی است. بنابراین، تنها در صورت اشمالش بر مصداقی خاص می‌توان از انجام آن جلوگیری کرد.

۳. این ادعا که برخی از مصداقی جراحی زیبایی، مثل تغییر جنسیت فرد سالم، موجب تشبیه به جنس مخالف شده سخنی ناصواب است، زیرا در تشبیه تنها نوع لباس پوشیدن، رابطه جنسی و یا ظاهر فرد تغییر کرده و موضوع اصلی «جنسیت زن و یا مرد» دستخوش تحول نشده است، در حالی که تغییر جنسیت، تبدیل و عوض شدن موضوع مورد بحث می‌باشد.

نتیجه: تشبیه به جنس مخالف عنوان مستقلی است که بیان‌کننده محدودۀ جواز عمل زیبایی است. بنابراین، صلاحیت منع از انجام نفس عمل را ندارد. همچنین عنوان تشبیه در مورد تغییر جنسیت صدق نمی‌کند، زیرا در این عمل، اصل موضوع تغییر کرده که ارتباطی با تشبیه به جنس مخالف ندارد.

۴. وارد کردن ضرر به جسم

تشریح احکام در اسلام بر اساس جلب مصالح و دفع مفسدات است. بنابراین، اگر آرایش و زینتی برای انسان مضر باشد، باید حکم به ممنوعیت آن کرد. به عنوان مثال امام خمینی & در پاسخ به حکم انجام جراحی زیبایی به قید «عدم ضرر» توجه دارد و می‌گوید:

سؤال: این جانب زن خانه‌داری هستم که شش فرزند دارم، بینی‌ام بزرگ است و از همه خجالت می‌کشم، می‌خواستم بینم آیا جراحی بینی حلال است؟

جواب: اگر جراح زن باشد و موجب ضرر هم نشود، مانعی ندارد (امام خمینی، ۱۴۲۲: ۳/۶۲۸).

نقد و بررسی: پذیرش و یا منع وجه استدلال برخاسته از این دلیل، نیازمند بیان چند نکته است.

۱. تحقق عنوان ضرر تنها موجب حرمت انجام مصداق ضرری است که این مسئله ربطی به مشروعیت نفس جراحی زیبایی ندارد.

۲. تعارضی بین فتاوی فقهای شیعه و حرمت ضربه زدن به جسم وجود ندارد، زیرا حکم به حرمت، مقید به وجود ضرر شده است. بنابراین، در صورت عدم تحقق این عنوان، نهی‌ای راجع به نفس این عمل وجود ندارد.

۳. تشخیص تحقق عنوان ضرر در مصداقی مختلف جراحی زیبایی به عهده عرف پزشکان بوده که نظر آنان برخاسته از نتایج تحقیقات علمی روز است. بر اساس مطالعه‌ای که گروهی

از پزشکان مستقل در سال ۱۹۹۷ میلادی در آمریکا انجام دادند و نتایج آن را در نشریه پزشکی جراحی پلاستیک و ترمیمی منتشر کردند، میزان بروز عوارض جدی در عمل‌های پلاستیک انجام شده در مراکز معتبر، کمتر از نیم در صد بود که برای ۷۴٪ در صد موارد، عفونت گزارش شد و میزان مرگ و میر، یک نفر در ۵۷ هزار مورد بود. همچنین ۱۲٪ در صد بیماران نیاز برای انتقال به بیمارستان پیدا کردند (گربر، ۱۳۹۱: ۴۹).

نتیجه

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های یک پژوهش، اقدام به نتیجه‌گیری از مجموع برداشت‌هایی است که در مرحله انجام آن تحقیق صورت گرفته است. اکنون به بیان نتایج به دست آمده از این نوشتار، می‌پردازیم.

۱. جراحی زیبایی موجب تغییر خلقت اولیه انسانی نیست، زیرا ملاک حرمت تغییر مربوط به صورتی است که از طریق خلق جدید، ضدیت با آفرینش الهی صورت گیرد و موجبات تشریح در دین فراهم آید. علاوه بر این، گروهی مصداق تغییر را خروج از فطرت و ترک دین حنیف دانسته‌اند که در هر صورت، با انجام جراحی زیبایی منافات ندارد، چون این نوع تغییر، مصداق تشریح و ضدیت با آفرینش الهی و یا خروج از فطرت نیست که اگر بخواهد حرام باشد، باید تغییرات ظاهری مانند کندن درختان، بر هم زدن شکل زمین و حتی تصرف در دریاها حرام باشد که احدی به این ملازمه اعتقاد ندارد.

۲. ادعای حرمت تغییر رنگ‌آمیزی اولیه انسان به واسطه انجام جراحی زیبایی صحیح نیست، زیرا مراد از «صبغه الهی» در آیه ۱۳۸ سوره بقره، اخلاص، ایمان و اسلام است که خداوند متعال همگی را ملزم به تبعیت از آن کرده است تا مایه تفرقه در دین فراهم نشود. بنابراین، مراد از این آیه تغییر فیزیکی نیست تا جراحی زیبایی حرام باشد.

۳. مشروعیت جراحی‌های زیبایی بین علمای اهل سنت امری اختلافی است، اما غالب فقهای شیعه معتقد به اباحت نفس این عمل با رعایت شروط زیر هستند:

شرط اول: انجام عمل جراحی منجر به تحمل ضرر قابل توجهی برای متقاضیانش نشود.

شرط دوم: انجام عمل جراحی مستلزم ارتکاب ملازمات حرامی مثل نظر و لمس به حرام و یا عریان شدن در برابر نامحرم نشود.

شرط سوم: انجام عمل جراحی منجر به تشبیه جنس مخالف نشود.

شرط چهارم: انجام عمل جراحی مستلزم رجوع به جراح غیر هم‌جنس نشود.

شرط پنجم: انجام عمل جراحی به قصد فریب دادن دیگران نباشد.

- (۱). قال الله تعالى: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ» (روم: ۳۰).
- (۲). «عَنْ سَعْدِ الْأَسْكَافِ قَالَ: سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ × عَنِ الْقِرَامِلِ الَّتِي تَضَعُهَا النِّسَاءُ فِي رُءُوسِهِنَّ يَصِلْنَهُ بِشُعُورِهِنَّ فَقَالَ لَا بَأْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ بِمَا تَزِينَتْ بِهِ لِرُؤُوسِهَا قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ | لَعَنَ الْوَأَصِلَةَ وَالْمَوْصُولَةَ فَقَالَ: لَيْسَ هُنَاكَ إِلَّا لَعْنُ رَسُولِ اللَّهِ الْوَأَصِلَةَ الَّتِي تَزِينُ فِي شَبَابِهَا فَلَمَّا كَبُرَتْ قَادَتِ النِّسَاءَ إِلَى الرَّجَالِ فَتِلْكَ الْوَأَصِلَةُ وَالْمَوْصُولَةُ» (كليني، ۱۳۶۳: ۱۱۹/۵).
- (۳). «هارون بن الجهم بن ثوير بن أبي فاختة سعيد بن جهمان مولى أم هانئ بنت أبي طالب. و ابن الجهم روى عن أبي عبدالله × كوفي ثقة» (نجاشي، ۱۴۰۷: ۴۳۸).
- (۴). «هارون بن الجهم بن ثوير بن أبي فاختة سعيد بن جهمان مولى أم هانئ بنت أبي طالب و أبو الجهم روى عن أبي عبدالله × كوفي ثقة» (علامه حلي، ۱۳۸۱: ۱۸۰).
- (۵). «يكنى أبا أحمد من موالى الأزدي و اسم أبي عمير زياد و كان من أوثق الناس عند الخاصة و العامة» (طوسي، ۱۴۲۷: ۴۰۴).
- (۶). اين قاعده با ضميمه نمودن چند حديث ضعيف به برداشت يك حكم شرعي می پردازد
- (۷). «عَنْ أَسْمَاءَ (بنت ابى بكر)، قَالَتْ: جَاءَتِ امْرَأَةٌ إِلَى النَّبِيِّ |، فَقَالَتْ: إِنَّ ابْنَتِي عُرَيْسٌ، وَقَدْ أَصَابَتْهَا الْحَصْبَةُ فَتَمَرَّقَ شَعْرُهَا، فَأَصِلْ لَهَا فِيهِ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ |: «لَعَنَ اللَّهُ الْوَأَصِلَةَ، وَالْمُسْتَوْصِلَةَ» (ابن ماجه، ۱۳۷۲: ۶۳۹/۱).

قران کریم

ابن ماجه، ابو عبدالله محمد بن يزيد القزويني، سنن ابن ماجه، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، الناشر دار الرساله العالميه، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ق.

----- سنن ابن ماجه، تحقيق: محمدفؤاد عبدالباقي، دار إحياء الكتب العربية - فيصل عيسى البابي الحلبي، ١٣٧٢ق.

اولسن، مريل و ماري، جراحي زيبايي، ترجمه شهروز فرهنگ، انتشارات كلید آموزش، تهران، چاپ اول، ١٣٨٨.

بهجت، محمدتقي، استفتاءات، قم، دفتر حضرت آيت الله بهجت، چاپ اول، ١٤٢٨ق.

تبريزي، جواد بن علي، صراط النجاه، قم، دار الصديقه الشهيد، چاپ اول، ١٤٢٧ق.

ثعلبي، احمد، الكشف و البيان عن تفسير القران، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤٢٢ق.

حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعه، قم، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ١٤٠٩ق.

حسيني، محمد، عمليات التجميل الجراحيه و مشروعاتها الجزائيه بين الشريعة و القانون، دمشق، مركز ابن ادريس حلي للدراسات الفقيهيه، الطبع الاول، ١٤٢٩ق.

حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، رجال العلامه - خلاصه الأقوال في معرفه الرجال، نجف اشرف، منشورات المطبعه الحيدريه، چاپ دوم، ١٣٨١ق.

زنجاني، سيد موسى شبيري، كتاب نكاح، قم، مؤسسه پژوهشي رأی پرداز، چاپ اول، ١٤١٩ق.

سبزواري، سيد عبدالاعلي، مواهب الرحمان في تفسير القرآن، قم، انتشارات دفتر آيت الله سبزواري، ١٤١٩ق.

شبير، محمد عثمان، احكام جراحة التجميل في الفقه الإسلامي، كويت، مكتبه الفلاح، الطبعة الأولى، ١٤٠٩ق.

شنقيطي، محمد بن محمد المختار، احكام الجراحة الطبية و الاثار المترتبة عليها، جده الشريفه، مكتبة الصحابة، الطبعة الثانية، ١٤١٥ق.

طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القران، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٣٩٣ق.

طبرسي، امين الدين ابوعلی فضل بن حسن، جوامع الجوامع، تصحيح ابوالقاسم گرجي، قم

و تهران، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم و دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۶.
طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن، رجال، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین
حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۲۷ق.

_____ الفهرست، نجف اشرف، المكتبه الرضویه، چاپ اول. ۱۴۲۷ق.

قاسمی، مسعود، اصول جراحی پلاستیک و ترمیمی صورت، تهران، انتشارات تیمورزاده،
چاپ اول، ۱۳۷۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی، ترجمه بهبودی، محمدباقر، تهران، انتشارات علمی
و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳.

گربر، دایانال، مری چنکوکو شل، جراحی پلاستیک پر سشها و پاسخها، ترجمه محمود
رزاقی، تهران، انتشارات محمود رزاقی، چاپ اول، ۱۳۹۱.

لنکرانی، محمد فاضل موحدی، جامع المسائل، قم، انتشارات امیر قلم، چاپ یازدهم.
مافی، پرویز، اصول جراحی پلاستیک، تهران، انتشارات ارجمند و نسل فردا، چاپ اول،
۱۳۹۰.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
منجمی، علی رضا، جراحی پلاستیک، تهران، انتشارات سلیس و آزادمهر، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
موسوی خمینی، سید روح الله، استفتاءات، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه
مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۲۲ق.

نجاشی، ابوالحسن، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.

Cosmetic Surgeries as Seen in Islamic Jurisprudence *

Abuzar Sane'ei **

Abstract

The science of plastic surgery is one of the achievements of the modern medical science which has two branches, cosmetic surgery and reconstructive plastic surgery. The pivotal question of this research revolves around the jurisprudential reasons for the unlawfulness of cosmetic surgery. It has been proved, after studying and scrutinizing all the associated arguments concerning prohibition, that cosmetic surgery does not lead to a change in the principal human creation because the reason for prohibition of creating a change hold good when the change is metamorphic in the sense that when something new that is opposed to divine creation is created it would lead to legislation in the religion. Additionally, some scholars are of the view that cosmetic surgery is forbidden because it causes one to exit and relinquish the upright religion. This view is uncorroborated and does not seem strong enough to challenge the permissibility of cosmetic surgery. As well, the claim that dying or coloring the original human being is forbidden through cosmetic surgery is also not correct because the term “divine coloring” in the verse 138 of chapter al-Baqarah refers to sincerity, faith and Islam which everyone is bound to follow so that no division or schism ever takes place in the religion. Therefore, this verse does not refer to physical change so that it could be used to prove the prohibition of cosmetic surgery .

Keywords: surgery, cosmetic, jurisprudence, unlawfulness.

* Date of submission: 6/7/2016 Date of acceptance: 10/9/2016.

** Assistant professor, Adalat University (Aboozar1334@chmail.ir).